

توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه

دکتر اصغر ضرابی

استاد دانشگاه اصفهان

مهری اذانی

دانشجوی دکترای جغرافیای شهری دانشگاه اصفهان

چکیده:

مفهوم «توسعه» و «مفهوم توسعه پایدار» در جهان صنعتی و جوامع در حال توسعه از مفاهیم بنیادین پیکره این جوامع است. آشنایی با مفهوم و الزامات توسعه پایدار از این نظر ضروری است که در کشورهای مختلف و به ویژه کشور ما مدیریت منابع و استفاده منطقی از آن در مقاطع مختلف تاریخی دستخوش دگرگونی و تغییر بوده است.

بنابراین با جهانی شدن مسأله توسعه پایدار و حفظ محیط طبیعی و انسانی بحث درباره آن نیز گسترش یافته و ضمن قرار گرفتن در دستور کار محافل و مجامع علمی و کارشناسی، مورد حمایت و پشتیبانی سازمانهای ملی و بین المللی نیز قرار گرفته است. در این راستا کنفرانسها و اجلاسهای بین المللی مختلفی در سراسر جهان برپا شده به گونه ای که دیدگاه های توسعه پایدار و رهنمودهای اجلاس ریو (ریودوژانیرو) که با حضور نمایندگان رسمی کشورهای شرکت کننده انجام شد. تحت «دستور کار ۲۱» وسیعاً مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله با توجه به اهمیت مفاهیم «توسعه» و «پایداری»، بر تداوم توسعه (توسعه پایدار) تأکید گردیده و سعی شده تا این مفاهیم در هر دو دسته کشورهای صنعتی و در حال توسعه شفاف تر بیان گردد.

مقدمه:

اگر بپذیریم که «محیط» عرصه ای است که گروههای انسانی در آن زندگی می کنند و «توسعه» از اعمالی است که در آن به انجام می رسانند، به امید آن که عرصه زیستی خود را قابل قبول، معنی دار و همراه با آسایش سازند، باید بدانیم که این پذیرش مستلزم مبارزه و تلاش جدی و وسیع فرهنگی است تا از این طریق، زمینه های هرچه گسترده تر و لازم گفتگو و مشارکت تمامی آحاد ذیربط جامعه در روند تصمیم گیری و سیاست گذاریهای رشد و توسعه فراهم آید.^۱

واژه «پایدار» در زبان فارسی معادل انگلیسی به کار رفته که، از لفظ لاتین sus-tenere به معنای نگاهبانی و پشتیبانی کردن اخذ شده است. در این زمینه، «پایدار» می تواند به معنای حمایت و پشتیبانی از «وضعیتی مطلوب» یا بر عکس، دوری جستن از «وضعیتی نامطلوب» باشد. به این ترتیب اگر به عنوان نمونه معتقد باشیم که رفاه همه جانبه فردی یا اجتماعی اهمیتی اساسی دارد، به حمایت از این «وضعیت» پرداخته راههای حفظ و پایداری آن را جستجو می کنیم. در همین رابطه فقدان رفاه فردی یا اجتماعی نمی تواند قابل پشتیبانی باشد و به «عدم پایداری» نسبت داده می شود.^۲ از سوی دیگر باید به یاد داشته باشیم که «توسعه پایدار» یک مفهوم بسیار با اهمیت است، زیرا پایداری یا مسئولیت زندگی انسانها معنا می یابد و توسعه

پایدار مفهوم همه جانبه ای است که همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را شامل می شود.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته تفاوت معنایی توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی است، به گونه ای که نشان داده شود بررسی مفهوم توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، نابرابریهای مکانی-فضایی حاصل از روندهای تاریخی و اجتماعی-اقتصادی و توسعه نیافتگی عرصه های زندگی شهری و روستایی جایگاهی بس فراتر از بحثهای زیستی محیطی دنیای پیچیده صنعت را می طلبد و بنابراین به نظر می آید که مسایل توسعه پایدار در محافل بین المللی و ویژه در ارتباط با مصائب دنیای صنعتی با پیچیدگی های فن آورانه خود باید در مقیاس دیگر و مسایل شهرهای کشورهای در حال توسعه در مقیاسی متفاوت مورد توجه قرار گیرد، زیرا در این گونه محافل بعد زیست محیطی توسعه پایدار بر جنبه های برابر طلب و تعدیل نابرابریهای فرهنگی، اجتماعی-عمومیتی شفاف یافته برتری دارد. بناب توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی از وضعیت اجتماعی-اقتصادی و در میزان به هدر محیط زیست و مانند آن می توان تصور

مفهوم توسعه:

باشد که این مقاله بتواند معنی و مفهوم و در تمام ابعاد که از پایین ترین سطح اجتماعی اعتباری عینی اخلاقی بخشیده و با توجه بعد «واقعیت ها» به سمت «حقیقت مطلق

شناخت بهتر هر پدیده قبل از هر چه

را دارد. واضح است که هرچه این تعریف آسان تر و دقیق تر خواهد بود.

متأسفانه باید اقرار کرد که برای بسیا و فنون تعریف جامع و گویا ارائه نشده اند توسعه در فرهنگ دهخدا به معنی فراخ دادن، توسعه پیدا کردن و توسعه یافتن تحول از همان ابتدا همراه و همگام بشر شکل و فرم و محتوای زندگی بشر در ط توسعه است، زیرا اگر توسعه همراه بشر

«استرترین» نیز روشی را که به روش نیازهای اساسی شهرت یافته در زمینه توسعه عنوان می‌کند، طبق این روش توسعه را باید توجه به افزایش ارضای نیازهای اولیه که بر پایه ارزشهای گوناگون توسعه به معنای نوسازی و نوین‌سازی یعنی تحول در انسانها به طور اعم و پیشرفت عواملی در تولید، درآمد، شرایط تولید، سطح زندگی (شامل تغذیه، مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش)، تلقی از کار نهادها و سیاستگذاری‌ها به طور اخص می‌توان دانست.

تعاریف و مفاهیم مختلف ارائه شده برای «توسعه» که به تعدادی از آنها اشاره شد گویای توافق بر این دو نکته است:

یکی این که توسعه به مثابه یک فرایند اقتصادی همسان نیست، و دیگر آن که توسعه به مثابه فرایندی چندبعدی و یا چند منظوره که ابعاد اقتصادی، اجتماعی سیاسی و فرهنگی دارد می‌باشد. نکته اساسی که باید در این جا بر آن تأکید شود آن است که توسعه روندی همواره یک جهتی و بدون مسأله نیست و بنا به گفته «ژوزف شومپتر» توسعه فرایند دیالکتیکی است که در آن هر تغییری در اقتصاد، مسائل و تعدیلهایی در پی دارد. البته یادآور می‌شویم که درباره مفهوم توسعه باید این گونه اندیشید که توسعه واقعی جامعه وقتی قابل تحقق است، که اندیشه‌اش از انسان و محیط آن جامعه سرچشمه گرفته باشد که در این راستا، شناخت کامل از توانمندی‌های انسانی و محیطی (عوامل قدرت) ضروری است. بدین طریق توسعه به عنوان یک فرایند، منجر به ایجاد رابطه بهتر بین انسان و محیط گردیده و نباید فراموش کرد که توسعه برای مردم بوده و تنها راه تحقق آن در شرکت انسانها و اهمیت و ارزشی است که به افکار و عقاید آنها داده می‌شود، از این رو فرایند توسعه می‌بایست با ایجاد تغییرات، شرایطی را جهت تحقق این امر فراهم آورد، نتیجتاً با آگاهی و برخورداری از ایده‌ها و راهها و روشهای ارائه شده مردمی است که جامعه با رفتارهای شایسته و نه تخریبی با محیط بر سرنوشت خود حاکم می‌گردد.^۶ البته در سالهای اخیر بحث در مورد مفهوم دقیق توسعه بیشتر صورت گرفته است اما هیچ توافقی روی یک مفهوم قابل قبول

به عمل نیامده است. بیان یک تعریف دقیق برای توسعه مشکل است با وجودی که ما احساس می‌کنیم مفاهیم توسعه را دریافته‌ایم، توسعه برای هر فردی مفهوم متفاوتی دارد.

حقیقت این است که توسعه

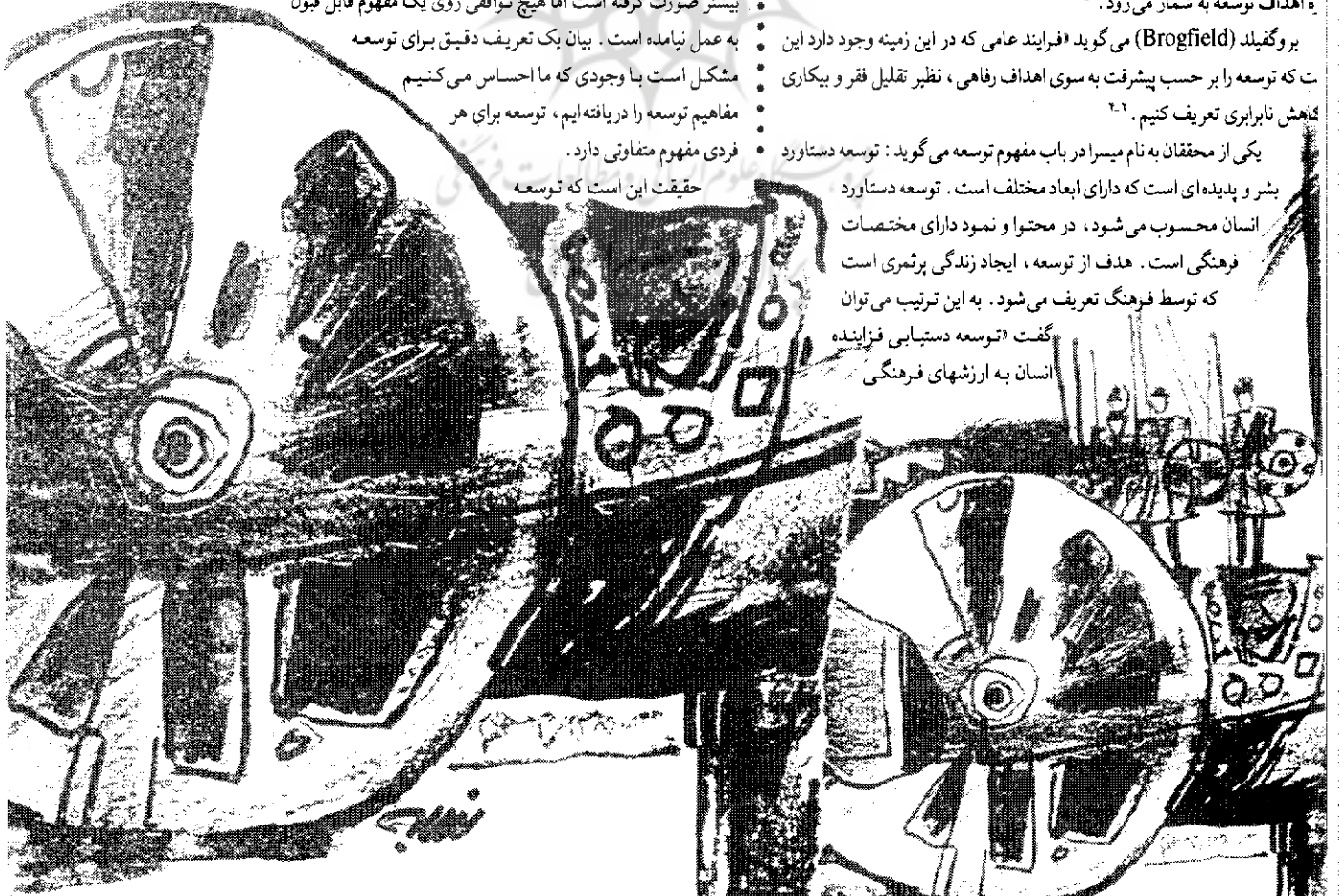
گی در جنگلها به یکجانشینی و شهرنشینی بپردازد و فرم و شکل زندگی خود را مل و تحول بخشد تا به صورت خیلی مدرن و پیشرفته امروزی درآید.

البته هر تغییری را نمی‌توان توسعه نامید، تغییرات مثبت که موجب بهبود وضع گی مردم گردد، توسعه نامیده می‌شود، لیکن توسعه به معنی کوشش آگاهانه نهادی و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای ترقی اجتماعی و اقتصادی جامعه، پدیده منحصر به قرن بیستم است که از سال ۱۹۱۷ در شوروی سابق آغاز گردید و از آن تاریخ ون اندیشه توسعه چون هر پدیده دیگر تحول و تکامل یافته است. اصطلاح توسعه لور کلی از سوی صاحب نظران و اهل فن به تعبیر متفاوت و متنوعی به کار رفته ت. «سیرز» از شمار افرادی است که هدفهای توسعه را در فقیرترین کشورها با د خانواده، حداقل غذا، سرپناه، پوشاک، دسترسی به کار، تأمین سطح معیشت رمی، پرورش شخصیت انسانی، گسترش امکانات آموزشی و کاهش بیسوادی، ان مشارکت در حکومت، استقلال ملی و عدم مداخله و تحمیل به تصمیمات ومعی مرتبط دانسته است، وی که رئیس مؤسسه مطالعات توسعه در دانشگاه ساکس ت، توسعه را جریانی چندبعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد، به عقیده وی توسعه علاوه بر بهبود در ان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختهای نهادی، اجتماعی، اداری همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی مردم است. توسعه در بسیاری موارد و عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربرمی‌گیرد.^۷

یکی از دشواریهای مفهومی توسعه، مشخص کردن مفهوم «توسعه» Developme و رشد (Growth) است. اولین نکته درباره توسعه این است که مفهوم دارای بار ارزشی است و تقریباً مترادف با کلمه بهبود (Improvement) کار می‌رود.^۸ در این زمینه برنشتاین (Bernestien) می‌گوید جنبش برای ایجاد معه بار ارزشی به همراه دارد که کمتر افرادی با آن مخالفت دارند. اشتیاق برای غلبه سوء تغذیه، فقر، مرض که از شایع ترین و قابل توجه ترین دردهای بشری است، از اهداف توسعه به شمار می‌رود.^۹

بروگفیلد (Brogfield) می‌گوید «فرایند عامی که در این زمینه وجود دارد این ت که توسعه را بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی، نظیر تقلیل فقر و بیکاری کاهش نابرابری تعریف کنیم.^{۱۰}

یکی از محققان به نام میسارد باب مفهوم توسعه می‌گوید: توسعه دستاورد بشر و پدیده‌ای است که دارای ابعاد مختلف است. توسعه دستاورد انسان محسوب می‌شود، در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پرثمری است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت «توسعه دستیابی فرآینده انسان به ارزشهای فرهنگی



رانمی توان در حد رضایت افراد مختلف تعریف نمود، چون افراد مختلف نقطه نظرات متفاوتی در خصوص مسائل تشریح شده و نحوه رسیدن به آن دارند. از نقطه نظرات مردم منعکس کردن مفهوم توسعه بیشتر به صورت یک یا ترکیبی از چند مورد زیر است.

۱- دیدگاه آکادمیک

توسعه ممکن است به صورتی از یک دیدگاه علوم اجتماعی مشخص بررسی شود، به این دلیل انواع مختلفی از توسعه را می توان در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مطرح نمود که در درون هر یک از این انواع تعدادی تعابیر یا فرضیه هایی در خصوص توسعه چیست وجود دارد. دیدگاه اقتصادی شاید یکی از جنبه های غالب باشد.

۲- دیدگاه سیاسی - ایدئولوژیک

توسعه ممکن است از یک دیدگاه خاص سیاسی مدنظر قرار گیرد. از نظر راستگرایان دیدگاه محافظه کارانه یا سرمایه داری، توسعه رشد اقتصادی است که توسط نیروهای بازار و تغییرات فرایند تکامل آن تعیین می شود.

از نظر چپ گرایان، نقطه نظرات افراطی یا کمونیستی، توسعه به عنوان تغییرات انقلابی و عدالت اجتماعی موجودیت می یابد.

در این دیدگاه، هدف اصلی تشکیل یک جامعه برابر بوسیله توزیع ثروت از طریق یک برنامه ریزی اقتصادی متمرکز جهت تعدیل نابرابری ها مانند، فقر، بیکاری و... بیسوادی در بین مردم و نواحی مختلف می باشد.

در کشورهای جهان سوم رسیدن به خوداتکایی مطرح می شود، که در این دیدگاه بوسیله برخورداری ایشان از فقر و اقتصاد وابسته به کشورهای توسعه یافته شکل گرفته است. هدف اصلی آن، کاهش وابستگی به واردات گرانتیمت جهت گسترش دادن صنایع محلی برای افزایش خودکفایی کشاورزی و در نهایت متکی شدن به منابع خود (محلی) می باشد.

۳- دیدگاههای شخصی

توسعه ممکن است از دیدگاههای سیاست گذاران توسعه غالباً بیرونی ها، بیرون از سیستم مثلاً کارگزاران توسعه، دولتهای محلی یا خارجی، شرکتهای چندملیتی، سازمانهای بین المللی دیده شود، یا از دیدگاههای کسانی که این تصمیمات در نتیجه خود توسعه (درونی ها و بیرون سیستم) مثلاً مردم محلی که بر روی آنها تأثیر می گذارد دیده می شود.

همواره می بایست به خاطر بسپاریم که توسعه در خصوص مردم است نه کشورها و اقتصاد آنها، دلیل دیگری که یک تعریف دقیق برای واژه «توسعه» را مشکل می سازد این است که توسعه به اثناء مختلف از قبیل یک فرایند، یا یک حالت، یا یک ترکیب از این دو استنباط می شود.

با وجودی که توسعه برخی مواقع فقط به صورت فرایند یا به صورت حالت (چگونگی) آن دیده می شود، بارها برای تشریح یک توسعه بخصوص و همچنین نتایج آن پرسوه نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

به عنوان یک فرایند، توسعه به صورت معمولاً هرگونه تغییری در یک ناحیه که حاصل آن بهبود شرایطی است که بر زندگی مردم آن ناحیه اثر می گذارد، دیده می شود.^۷

عملکرد توسعه و لزوم توجه به توسعه پایدار

برداشت صرفاً اقتصادی از توسعه در سالهای ۱۹۶۰ ضرورت توجه به ماهیت اجتماعی، روانی و سیاسی توسعه را پیش آورد.^۸ ظاهراً زمان توجه به مقوله ی «توسعه

اجتماعی» یا برتری نقش انسان بر کالا در فرایند توسعه فرارسیده بود، بنابراین می باید به موازات تأکید بر رشد اقتصادی، تغییرات اجتماعی در قالب نوگرایی (تجددگرا) نیز مورد توجه قرار می گرفت، لذا هر تغییری در ساختار اقتصادی، اجتماعی سن این جوامع به سوی آنچه مدرن شدن نامیده می شد، توسعه تلقی گردید. به عین دیگر جوامع سنتی روستایی، کشاورزی در فرایند نوگرایی می بایست جای خود را جوامع مدرن - شهری، صنعتی که با شرایط مطلوب تری محسوب می شدند بدهند در این مفهوم نوگرایی چیزی جز تغییراتی در معیارهای اجتماعی، انتشار راه مادی گرانه و مصرف گرایانه نبوده است و هدفی جز آماده سازی جوامع پیرامونی پذیرفتن قوانین جدید سناریوی «رشد اقتصادی» نداشت.

برای مدرن شدن لازم بود که به تقلید از الگوی مصرف کالا و خدماتی نظیر آن در کشورهای مرکز تولید می گردد روی آورد. در کشورهای جهان سوم (پیرامود) شرایطی که بنا بود به تغییرات اجتماعی بر اساس مفهوم نوگرایی منجر شود از طرف تمرکز بر احداث مدارس، دانشگاهها، افزایش ظرفیت مراکز آموزشی، آموزش بزرگسالان، گسترش رسانه های گروهی (رادیو و تلویزیون)، افزایش تعداد مر بهداشتی و خدمات درمانی، تهیه و تأمین مسکن مناسب، تسهیلات رفاهی و تأ بر توجه به جوانان و فعالیتهای آنان به وجود آورده شد. این تغییرات که صرفاً به پیر از الگوهای توسعه در غرب بود، اتکا بر واردات و فشار بر منابع طبیعی جهت تأمین این نیازها را افزایش داد و به منظور رفع این مشکلات منطقی تر می نمود که استراتژی این کشورها بر محور صنعتی شدن، بالاخص صنایعی که به تولید کالاهای مصرفی وارداتی کمک کند استوار گردد. پذیرش منطق صنعتی شدن براساس جایگزینی واردات منجر به سرازیر شدن صنایع متعدد سبک و سنگینی که تکنولوژی آنها فراتر از نیرو انسانی این جوامع بوده است گردید.^{۱۱} تمرکز این صنایع در پایتخت ها و شهرها بزرگ، چهره سنتی آنان را به ظاهری مدرن و توسعه یافته تغییر داد، در حالی پیامدهای آن، تشدید دوگانگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نهایتاً درهم آمیختن رابطه انسان و محیط در این جوامع بود. چراکه عوامل ایجاد این چنین رابطه ای (اید تصمیم گیری و تکنولوژی) از انسان و محیط این جوامع سرچشمه گرفته و در نهایت منجر به ازخودبیگانگی این جوامع و تعارض چشم اندازهای فرهنگی مدرن (منتج نوگرایی) با چشم اندازهای فرهنگی سنتی گردیده و به این ترتیب رابطه ای نابرابر استثمارگونه این جوامع در سطوح ملی بارزتر شد.^{۱۱} به گونه ای که میبختی به نام توسعه پایدار، را می طلبید تا توسعه را در عملکرد حقیقی خویش معنا بخشد زیرا آنچه امر برای جهان مطرح است دیگر مقوله توسعه یا توسعه اقتصادی نیست، بلکه «توسعه پایدار» است. مفهوم پایداری از دیدگاههای مختلف متفاوت است:

- اقتصاددانان بر رشد پایداری و مستمر اقتصادی و مصرف مواد غذایی و کالا تأکید دارند.

- اکولوژیست ها، در پایداری و استمرار بقای بیوسفر، فقط به تنوع ژنتیکی گونه های گیاهی و جانوری نظر دارند.

- جامعه شناسان تأثیر فرهنگ و سنت در تقاضا برای مصرف و استمرار و پایدار سن و رسوم را مورد توجه قرار می دهند.

در حالی که هر یک از این گروهها بر یکی از ابعاد توسعه تأکید دارند، توسعه باید کلیه ابعاد و جوانب فنی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی را در یک مورد توجه قرار می دهد. به هر حال در توسعه پایدار برنامه هایی با کارایی بالای اقتصاد در صورتی که سبب عدم تعادل هر یک از ابعاد زمانی، مکانی، و اجتماعی می شود و محیط زیست را مورد تهدید قرار دهد، پذیرفتنی نیست.

تاریخچه توسعه پایدار

و هم به خاطر محدودیتهایی که در صورت افزایش بیش از حد، انسانیت و سایر انواع حیات را تهدید می کند شکست خورده و ناکام مانده اند. توسعه پایدار بخشی از این پارادایم است، که از تحلیل ساده انگارانه و بهره برداری استثمارگرانه از منابع طبیعی و انسانی، به توافقی که می بایست انسان با طبیعت انجام دهد، تغییر ماهیت می دهد، یک آیین کل گرای و فرانوگرایی جدید توسعه، توسعه پایدار را هم می توان به عنوان فرایندی از تغییر که میان انسانها و محیط زیست هماهنگی ایجاد می کند تفسیر نمود و هم به عنوان یک محصول پایانی در نظر گرفت، یعنی یک حالت تعادل و توازن، (Norgard-1988).

عدم توفیق در زمینه روشن نمودن و رفع ابهام از مفهوم توسعه پایدار، نوعی اختلال و آشفتگی را سبب گردیده مبنی بر این که بالاخره توسعه پایدار کدامیک از مسائل و موارد زیر شامل می شود^{۱۲}:

- ۱- رشد پایدار: توسعه اقتصادی پایدار و مصرف فزاینده ای مواد اولیه و خام.
- ۲- توسعه پایدار: بهبود مستمر کیفیت زندگی؛
- ۳- بهره برداری پایدار یعنی بهره برداری دائمی از منابع، یا به عبارت دیگر حفظ منابع در یک سطح مناسب.

۴- ایده های مبهم توسعه، مبنی بر بهره برداری دوستانه از محیط. بنابراین جهت بررسی این مسائل تعاریف بسیاری از توسعه پایدار ارائه گردیده است که بعضاً با یکدیگر مغایرند، متداول ترین تعریف از توسعه پایدار، تعریفی است که کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) ارائه داده است. ^{۱۵} کمیسیون مذکور توسعه پایدار را چنین تعریف می نماید: توسعه ای که احتیاجات نسل حاضر را بدون آسیب رساندن به توانایی نسلهای آینده در تأمین نمودن نیازهای خود برآورده می نماید.

بر اساس این تعریف قبل از این که هر جامعه ای بتواند به پایداری برسد، عدالت بین نسلها و درون نسلها را باید تأمین کند. توسعه اجتماعی و اقتصادی باید به گونه ای تحقق پذیرد که در هر زمان که بر نسلهای آینده هزینه ای تحمیل شود، اثرات فعلیهای اقتصادی را به حداقل برساند. بنابراین به طور کلی توسعه پایدار عبارت از توسعه اقتصادی است که در درازمدت تداوم داشته باشد. از این رو پایداری را به دو نوع ضعیف و قوی تقسیم می نمایند.

در دیدگاه پایداری ضعیف، محیط زیست را نمی توان جزئی مستقل که نیازمند به طرز نگرش و برخورد خاصی است در نظر گرفت، بلکه محیط زیست نیز صرفاً شکل دیگری از سرمایه است. در مقابل، در دیدگاه پایداری قوی، جایگزینی کامل بین شکلهای مختلف سرمایه، فرضیه معتبری نیست. برخی از سرمایه های طبیعی را نمی توان با سرمایه های مصنوعی جایگزین نمود. به عنوان مثال آب به عنوان یک سرمایه طبیعی برای بقای بشر ضروری است و امکان جانشین سازی آن وجود ندارد. از جمله مواهب دیگر که برای بقای بشر ضروری نیست، چشم اندازهای طبیعی، استفاده در امور تفریحی و آرامش و سکون نسبی در کنار دریاها و دریاچه ها است که حداقل برای رفاه بشر مورد نیاز است. بر اساس این دیدگاه درجه بسیار بالایی از پایداری بین تمامی شکلهای سرمایه اعم از فیزیکی، انسانی و طبیعی وجود دارد. مشخص است که تعاریف ارائه شده از این دو دیدگاه برای پایداری با یکدیگر متفاوت است. زیرا به ایندولوژی های مختلف زیست محیطی مرتبط هستند. این دو دیدگاه از پایداری به عنوان مرزهای بالا و پایین یا سخت و انعطاف پذیر مطرح می گردند که بایستی با شرایط خاص اقتصادی و زیست محیطی در این بین، نقطه مناسبی را جهت نیل به پایداری عملی پیدا نمود.^{۱۶}

دیدگاههای توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه

عبارت «توسعه پایدار» در اوایل سالهای ۱۹۷۰ در زمان اعلامیه کوکویک درباره یط و توسعه به کار رفت. از آن زمان نام خاص و ویژگی آن دسته از سازمانهای المللی، که خواهان دستیابی به محیطی مناسب و مساعد با توسعه ای سودمند شد. این اصطلاح به منظور تحلیل و بررسی رابطه بین تغییر اقتصادی و منابع می اساسی که بر آن پایه قرار گرفته، بخصوص در نشریه های مؤسسه بین المللی یط زیست و توسعه مورد استفاده قرار گرفته است. اصطلاح «توسعه پایدار» به آن است که درسهایی در باب اکولوژی می تواند و باید در روندهای اقتصادی به گرفته شود. که شامل ایده های استراتژی حفاظت محیط جهانی و ایجاد محیطی قوی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه های حیات دچالش و آزمایش قرار می گیرد و این که آیا توسعه پایدار تا چه حد جایگزینی نمونه لایه معنی دار همچون کانونی در جهت پیشبرد سیاست و مدیریت محیط زیست ت؟

توسعه پایدار مستلزم دیدگاهی از اقتصاد و اکولوژی به گونه ای است که مورد بیشتر حقوق دانها، با هر روش ویژه ای است، دیدگاهی که می تواند با پیمان سی برای اطمینان از این که توسعه، «پایدار» است، همراه باشد.^{۱۱} به کار بردن واژه «توسعه پایدار» بعد از کنفرانس ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ در اقل علمی فراگیر شد. در این کنفرانس واژه، «توسعه پایدار و درخور» به کار رفته که بار سیاسی آن منجر به حذف آن گردید. این عنوان می خواست القا کند که هر ت یا مکانی باید در زمینه خاصی توسعه پیدا کند و هر ملتی شان ویژه ای در توسعه و مسلم بود که جایگاه و شان توسعه را هم باید، بدون تردید کارشناسان خبره آن بن می کردند و این مفهوم به معنای تقسیم کار جهانی بود.

«تافلر» در شوک آینده در تحلیل عصر فراصنعتی، صحبت از کالاهای ناپایدار، ماری ناپایدار و توسعه فرهنگ دورافتگی می کند، وی معتقد است که اگر در گذشته ان همگی ثبات و تداوم بود، دنیای امروز دنیای پرتحرکی است که در آن تغییر و پداری در کل زندگی مدنظر است و ناپایداری، تازگی و تنوع سه عاملی هستند که هنه را برای بحران تاریخی که همان شوک آینده است مهیا می سازند.^{۱۳} اکنون جا د از خود پرسیم اگر چشم انداز دنیایی که آغاز کرده ایم بر پایه های ناپایدار بنا شده، معه پایدار چه پدیده ای است که در این نقاط مطرح می شود و باز همان اندیشمندان، عنوان شرط لازم و کافی برای بقا از آن یاد می کنند. به نظر می رسد توسعه پایدار بت به دیگر کلیشه های توسعه جایگاهی مطمئن داشته باشد اما تا چه حد بازگوکننده نهایی روشنفکرانه همگرا به عوض و اگر است؟ ارجاع دایم به «پایداری» به عنوان فی مطلوب باعث ابهام و نیز تضادهایی است که «توسعه» برای هر محیطی به ارمغان آورد. بنابراین جا دارد در معنی و مفهوم «پایداری» و «توسعه» تعمق و دقتی در ر صورت گیرد. زیرا تعاریف متعدد و گاه متناقضی از مفهوم توسعه پایدار ذکر ه است به گونه ای که در مفهوم توسعه پایدار، تردید و بلاتکلیفی دوگانه ای وجود د. اول این که این توسعه به چه معنی است و دیگر این که آیا توسعه دست یافتنی ت و می توان آن را حفظ نمود؟ تعریف توسعه به طور گسترده ای به طرز برخورد و ع روش تعریف کننده بستگی داشته و ممکن است در طول زمان تغییر کند.

توسعه ای که به محیط زیست و یا جامعه انسانی صدمه وارد می سازد، توسعه مطلوبی است (Amin, 1990). توسعه واقعی نیازمند و مستلزم اجتناب از چنین خوردی بوده و به طور مشخص پایدار و دارای استمرار خواهد بود.^{۱۴} امروزه توسعه را معادل پیشرفت مادی در حال و آینده می گیرند که این پیشرفت دی عمدتاً توسط یک گروه به بهای از بین رفتن منابع سایر مردم یا موجودات زنده گر به دست می آید. امروزه توسعه بیشتر با روشها و سیاستها و شیوه های اقتصادی ش برده می شود که هم در زمینه تعیین و سنجش ارزش واقعی منابع محیطی و انسانی

- در دیدگاه‌های مربوط به توسعه پایدار، برخی از تلاش‌های به عمل آمده برای تعریف توسعه پایدار چنین است.^{۱۶}
- ۱- توسعه پایدار بر پایه اصول اخلاقی به عدالت بین نسل‌ها (میراث‌نگهداری برابر یا بهبود بخشیدن به منابع خدادادی برای آیندگان، میان نژادهای انسانی درون طبقات جامعه قرار گرفته است.
 - ۲- توسعه پایدار مسیر توسعه‌ای است که منابع خالص درازمدت انسان را به حداکثر می‌رساند.
 - ۳- رشد و توسعه اقتصادی است که در آن، محیط و جامعه انسانی رابطه مکمل با یکدیگر دارند و نه حالت رقابت‌آمیز. (این تعریف تقریباً دیدگاه تعدادی از مؤسسات بین‌المللی است)
 - ۴- توسعه پایدار عرصه پیوند اندیشه حفاظت زیست‌محیطی و توسعه است.
 - ۵- توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نسل کنونی را بدون به خطر انداختن قدرت و توانایی نسل‌های آینده در جهت برآورده نمودن نیازهایشان، خشنود و راضی نماید (عدالت بین نسل‌ها را ایجاد کند).
 - ۶- توسعه پایدار به‌کرد کیفیت زندگی انسانی از طریق حمایت از ظرفیت نگهداشت محیطی است.
 - ۷- توسعه پایدار فرایندی است که معیارهای متعالی‌تر زندگی را برای نوع بشر از طریق بالا بردن توانمندی‌های آنها جهت زندگی بهتر ارائه کرده و طی آن مشخص نماید که این امر جز از طریق یکپارچگی زیست‌محیطی قابل تحقق نمی‌باشد.
 - ۸- توسعه پایدار چراغ و وسیله روشنایی است که می‌تواند ما را در طول مسیر توسعه راهنمایی کند.
 - ۹- توسعه پایدار یعنی از امروز به فکر آینده بودن.
 - ۱۰- توسعه پایدار فرایندی است که مراحل رشد و تکامل خود را می‌پیماید. موقعیت آن مستلزم تغییر رویه و رفتارهای بخش عمده‌ای از جمعیت دنیاست تا تهدیدات احتمالی را که ممکن است حتی بعد از دوره حیات آنها مطرح شود دفع کند.
 - ۱۱- توسعه پایدار یعنی تداوم مستمر توسعه‌ای که فرایندی پویا و مداوم است.
 - ۱۲- توسعه پایدار مفهومی است که حامل دو سنت روشنفکری اغلب متضاد است: یکی در رابطه با محدودیتی که طبیعت به انسان تحمیل می‌کند و دیگری پتانسیل توسعه مادی انسان است که در طبیعت پنهان است.^{۱۷}
- و بالاخره توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را برآورده می‌سازد، بدون این که توانایی نسل‌های آینده را در رفع نیازهایشان مورد مخاطره قرار دهد. هدف‌هایی که در مفهوم توسعه پایدار وجود دارد بسیار گسترده و قابل تأمل است.^{۱۸}
- اندیشه نوین، یک تفکر سیستماتیک و نظام‌یافته است که همه چیز را در محیط زیست در پیوند با یکدیگر مدنظر قرار داده است. از این رو هر پدیده توسعه را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی متأثر از هم مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به چنین پیش، بدیهی است که مطالعات اکولوژیکی تجربیدی مردود بوده و فاقد ثمربخشی لازم می‌باشد و توسعه در خور و پایدار که امروزه در تمام جهان مطرح شده به عنوان تنها راه‌هایی انسان از معضلات کنونی بیان شده است و توسعه‌ای است که هم پیوندی فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی را به تصویر می‌کشد و قلمرو آن در محل تلاقی فعالیت‌های اقتصادی، اکولوژیکی و اجتماعی است.^{۱۹}
- البته برخی تعاریف مبهمی را از «توسعه پایدار» مطرح کرده، مدعی هستند که این شیوه از توسعه این امکان را فراهم می‌کند تا زمینه‌ها و وجوه مشترک میان موقعیت‌ها ناسازگاری محیط و توسعه از طریق این مفهوم دنبال شود. (پیشین - ص ۶۴ و ۵۲)
- «مردوخ» (Murdoeh) عنوان می‌کند که توسعه پایدار دارای نیروی بالقوه‌ای است

که تجزیه و تحلیل‌های چندرشته‌ای را گسترش می‌دهد جاکوب (Jacob) توسعه پایدار به منزله ارائه چهارچوب مفهومی برای فرایند توسعه تلقی می‌کند و ریس (Rees) فرصتی برای تغییر موکد توسعه از ملاحظات کمی به کیفی می‌داند و توسعه پایدار هم چنین به عنوان خط‌کش و معیاری می‌نگرد که به وسیله آن توفیق در دستیابی اهداف زیست‌محیطی و توسعه‌ای مورد قضاوت و ارزیابی قرار می‌گیرد.

اشمید هنی (Schmidheiny) نتیجه می‌گیرد که توسعه پایدار مدل نیست به خطوط راهنما را ارائه می‌کند. حتی با این تعاریف مبهم، توسعه پایدار مشخص عنوان یک «مفهوم انتزاعی» دیده می‌شود، پرسن (Pierson, 1992) (پیشین - ص ۵۳)

همچنین ادعا شده است که توسعه پایدار، اصطلاح پیش پا افتاده خطرناکی است که تناقضات و بی‌کفایتی در سیاست‌ها را توجیه نموده و می‌پذیرد (Lele, 1991) اکرفاشیسم را تشویق و ترغیب می‌کند. (پیشین - ص ۵۳)

هولمبرگ و سیبروک (Holmberg, seabrook)، معتقدند که توسعه پایدار، عنوان یک هدف یا اصل راهنما پیش از آن که به صورت متداولی دقیق مطرح باشد. «رفع تکلیف» محسوب می‌شود (موردی که آنها تصور می‌کنند در یک دنیای پیچیده و بفرغ ضرورت دارد) به طور واضح و روشن توسعه پایدار به وسیله گروه‌های دار منابع مشترک، هم به عنوان مختلف مطرح شده و هم تحت تأثیر و نفوذ قرار گرفته است. (پیشین - ص ۵۳)

اگر توسعه پایدار تنها به عنوان حرکتی در جهت ایجاد هماهنگی بین مساحت زیست‌محیطی و توسعه به کار رود نیازی به تعریف روشن و واضح نیست و می‌تواند گفت که معمولاً مشارکتهای ارزشمند را شکل می‌دهد. به هر حال توسعه پایدار چیز بسیار بیشتر و فراتر از یک مدل برای استراتژی‌های توسعه ارائه می‌کند.

توسعه پایدار اندکی فراتر از یک احساس مشترک عملی به نظر می‌آید. لکن عمل یک فرایند پیچیده ماندگار مربوط به اجتناب از توسعه مخرب از نژاد زیست‌محیطی است، به عنوان یک اصل راهنما توسعه پایدار معمولاً از بار ارزش برخوردار می‌باشد. دهه‌های آینده احتمالاً شاهد تغییر و تحولات قابل توجه و زیست‌محیطی به عنوان پیامد و نتیجه منطقی آلودگی و سازگاری با این تغییرات باشد. متأسفانه حرکت و پیشرفت در این زمینه، مایوس‌کننده بوده و تاکنون علائمی در مورد بهبود و پیشرفت سریع، مهم و معنی‌دار و مؤثر دیده نشده است.

پیریجز (Pirages) معتقد است که توسعه پایدار قانونمند (ضابطه‌مند) در حاضر کمتر به فکر تهیه و تأمین تدارک نیازهای اساسی بوده و بیشتر به تکنولوژی مناسب و توزیع مجدد ثروت توجه نشان می‌دهد. (پیشین - ص ۵۴)

اصولاً ارائه یک تعریف جهانی دقیق و صریح از توسعه پایدار امکان‌پذیر نمی‌باشد، توسعه پایدار مفهومی چند بعدی است که از اصطلاح پیریجز (Pirages, 1994) تحت عنوان معماری پایداری اخذ شده است.

به نظر می‌رسد که از زمان برگزاری کنفرانس سران (Earth summit) در سال ۱۹۹۲ به این طرف توسعه پایدار به عنوان یکی از مهمترین پارادایم‌های توسعه بر اوایل قرن بیستم مطرح شده است.

در حالی که برخی گرایش به توسعه پایدار را به عنوان یک دستورالعمل یا هدایت کلی مایه خرسندی می‌دانند، برخی دیگر به دلیل ابهام و عدم وجود توافق عمومی درباره معنی آن و نوسان از آن که در پی ظاهر فریبنده خود می‌تواند مسائل ناخوشایند را پنهان نماید، بر آن خدشه وارد می‌کنند.

عده‌ای نیز صراحتاً مخالفت خود را با توسعه پایدار ابراز می‌دارند، چنان که بسیار نیز به صورت زبانی و متملقانه از آن طرفداری می‌کنند. به رغم دشوار بودن ارائه یک تعریف دقیق از بسیاری از جنبه‌ها، توسعه پایدار همانند عدالت، محور استخوان‌بند:

یاری از موازین حقوقی و مناسبات انسانی محسوب می‌گردد.

توسعه پایدار رو به تکامل است و گروه‌های علاقه‌مند گوناگونی به شیوه‌های فاوت آن را توجیه و تفسیر می‌نمایند، شیوه‌هایی که منعکس‌کننده معتقداتشان نسبت مفهوم توسعه است.

بنابر نظریه ارائه شده توسط برنامه محیطی سازمان ملل متحد (UNEP) مفهوم سعه پایدار دربرگیرنده جنبه‌های زیر می‌باشد.²¹

۱- کمک به نهدستان، زیرا برای آنان راهی جز تخریب محیط زیست باقی می‌ماند.

۲- توجه تفکر توسعه خودی در چارچوب محدودیتهای منابع طبیعی.

۳- توجه به مؤثر بودن توسعه با بکارگیری ویژگیهای اقتصادی و غیرستی.

۴- در نظر گرفتن موضوعات مهم تکنولوژی مناسب، بهداشت و مسکن برای همه.

۵- درک این واقعیت که انگیزه مردم محوری مورد نیاز می‌باشد.

در کنفرانس جهانی حفاظت و توسعه در آتوا چنین اعلام گردید که توسعه پایدار ستیابی به موارد زیر می‌باشد.

۱- به هم پیوستگی حفاظت و توسعه

۲- رفع نیازهای اساسی انسان‌ها

۳- دستیابی به برابری و عدالت اجتماعی

۴- در نظر گرفتن خودگردانی اجتماعی و گوناگونی فرهنگی

۵- نگهداری تمامیت اکولوژیکی

هدف‌های کارکردی «توسعه پایدار» که توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و سعه در نظر گرفته شده است، دقیق‌تر و وسیع‌تر می‌باشد. طبق نظر این کمیسیون تدافعی که در مفهوم توسعه پایدار مورد توجه می‌باشد عبارت است از:

۱- افزایش رشد

۲- تغییر کیفیت رشد

۳- رفع نیازهای ضروری برای اشتغال، غذا، انرژی، آب و بهداشت

۴- کنترل جمعیت در یک حد پایدار

۵- حفاظت و نگهداری از منابع

۶- دگرگونی تکنولوژی

۷- مدنظر قرار دادن توام محیط زیست و اقتصاد در تصمیم‌گیریها

۸- دگرگون کردن روابط بین الملل اقتصادی

۹- مشارکتی کردن توسعه

در بررسی مفهوم توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، عرصه‌های زندگی شهری و روستایی توسعه نیافته و نابرابری‌های مکانی - فضایی در کنار تفاوت‌های محیطی همراه با روند سیاست‌گذاران که دارای زمینه‌های تاریخی و اجتماعی است

بین آن است که در این گونه کشورها مفهوم و معنای «توسعه» و «پایداری» هنوز منزلت اجتماعی - فرهنگی خویش را نیافته است و بحثی فراتر از بحث‌های زیست محیطی

نیای پیچیده صنعتی را می‌طلبد، زیرا در این گونه کشورها آنچه محیط را تهدید می‌کند نبل از آن که ناشی از عدم شناخت محیطی آنها باشد، حاصل فرهنگ به کارگیری

شناخته‌ها از محیط است و این اصل بخش عمده‌ای از ناپایداری‌ها را در توسعه باعث شده است و رسالت کارشناسان مسائل شهری و روستایی در تعیین اصول موضوعه

چنین شناختی است. در کشورهای در حال توسعه، برابری و تعدیل نابرابری‌های فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی محور استقرار توسعه پایدار است، آنچه مطرح است

این است که توسعه معادل پیشرفت مادی در حال و آینده نیست زیرا این پیشرفت به

بهای از بین رفتن منابع سایر مردم یا موجودات زنده دیگر به دست می‌آید. برای تحقق

پایداری می‌بایست، توسعه از طریق پذیرش بهترین تکنولوژی، سازماندهی اجتماعی

و هنجارها با محیط متناسب و هماهنگ گردد و توسعه پایدار می‌بایست نهادهای اجتماعی استوار، مستحکم و حمایت‌کننده‌ای را در برابر مشکلات زیست محیطی و

آشفته‌گی‌های اجتماعی ایجاد و حفظ کند. برای دستیابی به توسعه پایدار باید رفتارها و ارزشها، هنجارها و شیوه‌های زندگی مردم اصلاح شود. نابرابری در مصرف منابع

طبیعی، عدم وجود فرهنگ بهینه مصرف، عدم آشنایی با مصرف استاندارد، عدم آگاهی از ضرورت حفظ محیط طبیعی و انسانی از عوامل مؤثر در به تحقق نرسیدن

توسعه پایدار به حساب می‌آید که در این راستا ایجاد سیاستهای درست مدیریت صحیح و ساختار مناسب برای حل این معضلات از اهمیت خاصی برخوردار است. در هر

دو دسته کشورها توجه به فرهنگ و توسعه فرهنگی حائز اهمیت است زیرا فرهنگ تنها یک الزام اخلاقی برای توسعه نیست. بلکه شرط پایداری و دوام‌پذیری آن نیز هست.

اکون در سطح جهانی و در تمام رشته‌ها وجود رابطه همزیستی بین تنوع زیستی و تنوع فرهنگی بین زیستگاهها و فرهنگ‌ها، بین بوم‌سازگان (اکوسیستم) و هویت

فرهنگی، امری پذیرفته به شمار می‌رود. این نیز پذیرفته شده است که این رابطه عامل تعیین‌کننده‌ای در تضمین توسعه پایدار انسانی است.²² فرهنگ توسعه مهمتر از خود

توسعه است، فرهنگ توسعه باعث رواج و گسترش توسعه می‌شود، اما توسعه بدون فرهنگ نمی‌تواند فرهنگ بین عناصر انسانی خلق کند، مگر آن که مشارکت اجتماعی

به مدد توسعه آید. تبیین دیدگاه‌های اصولی توسعه و مشارکت می‌تواند همه شهروندان را در رسیدن به آرمانهای اصیل خود یاری دهد. در بحث توسعه پایدار همان گونه که

اکولوژی طبیعی در کشورهای توسعه یافته جایگاه خاصی دارد و پرداختن به آن در خور اهمیت است، در کشورهای در حال توسعه توجه به اکولوژی انسانی و مسأله

ارزشها اهمیتی فراتر از محیط را دربردارد زیرا ارزشها در اکولوژی انسانی عبارتند از برابری و عدالت اجتماعی بر مبنای استفاده برابر از امکانات و منابع طبیعی و مواهب

الهی که البته دربرگیرنده منابع انسانی هم هست. حرمت برای همه انسانها، حرمت برای کل طبیعت است. تأکید بر اهمیت انسان و طبیعت یکی از ارزشهای کلیدی در

اکولوژی و یکی از پایه‌های بنیادین توسعه پایدار است. سلامت و بهزیستی اصل و مبنای

مبتدا است. یعنی بهتر زندگی کردن، منظور از رضایت و شادی در درون و بیرون فقط آن شادی سطحی نیست، بلکه منظور آن رضایتی است که مشارکت بیشتر را دربردارد

و آن رضایت مشوق مشارکت بیشتر در جامعه است.²³

یکی از ویژگیهایی که به طور ملموس در جامعه سالم وجود دارد، این است که فرصتهایی برابر و متعادل زیستی برای همه‌ی اعضای جامعه وجود داشته باشد، یعنی

در حقیقت یک تولد، زندگی و مرگ با عزت، اما این فقط یک شرط امکان‌پذیر است و آن این است که افراد جامعه امکان استفاده برابر از منابع طبیعی را داشته باشند و

توانند به طور برابر از مواهب فعالیت‌های انسانی برخوردار شوند.

در توسعه پایدار اصل ارتباط بسیار مهم است، زیرا هیچ چیز جدا و مستقل و مجزا و در انزوا نیست و در سلامت و اعتدالی انسانی اصل رابطه او با محیط حائز

اهمیت است. زیرا محیط زیست دربرگیرنده کلیه فعالیت‌های انسانی است که به منظور ساختن و تأمین اعتدالی انسانی در یک فرایند تاریخی و زمانی و در یک بستر جغرافیایی

جای می‌گیرد، بنابراین مفاهیمی مثل سلامت، انسان سالم، طبیعت، محیط زیست و توسعه در هم بافته می‌شوند و در حقیقت تفکیک ناپذیر می‌شوند. آنچه که مطرح

شد یک فرایند «توسعه پایدار» است. پس بنابراین توسعه فرایند انسان، بهره‌وری بهینه از منابع طبیعی و انسانی را طی می‌کند به خاطر آن که به یک اعتدالی مداوم کیفیت

برسد. ارزشها در توسعه پایدار و اکولوژی پایدار انسانی عبارتند از برابری و عدالت اجتماعی بر مبنای استفاده برابر از امکانات و منابع طبیعی و مواهب الهی که البته

در بزرگ‌ترین منابع انسانی هم هست.

تصمیم‌گیری برای توسعه، در حقیقت تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری است، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و منابع^{۲۳}. و در فرایند توسعه، بویژه توسعه پایدار باید همه‌قادر باشند برای حل مشکلات ملی و محلی، از منابعشان به نحو مؤثر استفاده کنند و به مفهوم واقعی بهره‌برداری نمایند تا محیط و انسان فرصت تنفس حقیقی را بیابند و بتوانند اعمال زیستی خویش را چنان ماهرانه انجام دهد که حاصل آن پایداری مداوم در حیات محیط و انسان باشد.

تاکنون در زمینه مطالعات زیست‌محیطی، پیشرفتهای زیادی به دست آمده است که به طور عمده، به بررسی علمی تنوع زیستی و تغییرات زیست‌فیزیکی مربوط بود. فعالیتهای یونسکو در علوم زیست‌محیطی در نتایج حاصل، نقش چشمگیری داشت. اما آگاهی عمومی از روابط متقابل فرهنگ و توسعه، در مقایسه با پیشرفتهای ذکر شده، از رشد ناچیزی برخوردار بود.

با این حال فرهنگها، به محیط‌زیست خود شکل می‌دهند، نحوه استفاده یا سوءاستفاده از منابع طبیعی ما را تعیین می‌کنند. آنها تعیین می‌کنند که چه کسانی و چگونه آن منابع را اداره کنند. فرهنگ‌ها تعادل ظریف و شکننده بوم‌شناختی و تنوع زیستی سیاره ما را دگرگون و گاه نابود می‌کنند و به گیاهان یا حیات وحش لطمه می‌زنند، جنگلها را از میان می‌برند و یا سبب بیابان‌زایی می‌شوند. در کشورهای در حال توسعه یکی از مهمترین فرهنگها، فرهنگ اسلامی است که متوجه و ناظر به یکی از مبانی شناسایی ایده توسعه پایدار یعنی توجه به طبیعت و هستی است و در این مورد اصول وحدت، تعادل، نظم و کمال‌جویی را توصیه می‌کند و معتقد است جامعه‌ای در مسیر توسعه پایدار گام برمی‌دارد که در آن منابع در دسترس به گونه‌ای مورد استفاده قرار گیرد که هیچ‌گونه اسراف و تباهی رخ ندهد، بیش از حد نیاز، نامعقول و غیرمنطقی مصرف صورت نگیرد، مصرف مواد و منابع در جهت بهبود کیفی و کمال انسان باشد و رویه حفظ منابع تجدیدنپذیر و بهره‌برداری از منابع تجدیدپذیر صحیح باشد. بنابراین برای ایجاد توسعه پایدار و مبتنی بر آموزه‌های فرهنگ اسلامی توجه به اصول وحدت بخش در جامعه اهمیت دارد. از این رو وحدت آرمان‌ها، وحدت سازمانی، وحدت مدیریتی، وحدت رویه و وحدت میان انسان و جامعه ضروری است.^{۲۴}

توسعه به اعتقاد صاحب‌نظران پوشش همه‌جانبه از تغییرات متقابل اجتماعی است. در اسلام نیز به توسعه درون‌زا توجه شده است و آنها را در دستور کار خود قرار داده است. به گونه‌ای که معتقد است، جوامع اسلامی باید اتکا به خود را بیاموزند و نیروی محرکشان را از اندیشه‌های درونی بگیرند و هدف‌هایی را طراحی کنند که متناسب با ارزشها و نیازها و منابع در دسترس خودشان باشد، اگر کشورهای توسعه‌نیافته در گذشته اسیر انحطاط بوده‌اند باید راههای غلبه بر انحطاط را برای فتح آینده مورد شناسایی قرار دهند، زیرا انحطاط اصولاً نتیجه ناتوانی با روند تحولات و تغییرات نو به‌شونده است.^{۲۵}

در بررسی توسعه پایدار باید سعی گردد از الگوی متعارف توسعه فاصله گرفته و به الگوی متعادل توسعه نزدیک شویم زیرا، اگر بخواهیم دوام و بقای توسعه را به عنوان یک ملاک وارد توسعه بکنیم، ناگزیر هستیم رشد و توسعه را در کنار قابلیت دوام یافتن، یعنی زیست‌توأم با بقاء مطرح کنیم، زیرا در یک الگوی متعادل، تعادلی بین مصرف و بقاء وجود دارد و باید حدی برای مصرف تصور کرد.

در یک الگوی متعادل به منابع به عنوان یک قسمتی از تولید که آسیب‌پذیر است و تا بی‌نهایت نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم، محدود و محتاج نظارت است باید نگاه کنیم در الگوی متعادل علاوه بر جمع‌بندی و مقایسه هزینه‌های اقتصادی باید مسائل اجتماعی را نیز مورد توجه قرار دهیم در صورتی که در الگوی متعارف بدین گونه نیست و ما محاسبات محیط‌زیست را در محاسبات خودمان وارد نکرده‌ایم، بسیاری از

کارخانه‌های عظیمی که بیست سال پیش ساخته شده است توجهی به معیارها زیست‌محیطی نکرده‌اند و این معیارها تحت الشعاع سایر معیارها که ناشی از الگو متعارف توسعه است قرار می‌گیرند در صورتی که در الگوی متعادل اگر بخواهیم آینده‌ای دیرپا توجه کنیم باید معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی را در محاسبات وارد نماییم.^{۲۶}

نیل به توسعه پایدار، مستلزم هماهنگی و یکپارچگی امور زیست‌محیطی برنامه‌ریزی توسعه است. با حصول توسعه پایدار سه چیز به طور گسترده، حیاتی ضروری شمرده می‌شود:

۱- محدود کردن جمعیت

۲- محدود کردن ازدحام و تراکم

۳- بهرکردن تکنولوژی

این که تنها یک مسیر مشخص و خاص برای دستیابی به توسعه پایدار وجود دارد امری غیرمحمتمل و نادر است. اگر استمرار رشد توأم با کنترل آلودگی باشد و دگرگونی و تحول اجتماعی ماهیت رشد کمی را به سمت توسعه کیفی تغییر دهد و بهک تکنولوژی، دگرگونی و تحول تکنولوژی با نوع جامعه مورد نظر انتخاب و همراه گردد تا پیشرفت و بهبود تکنولوژی، بهره‌برداری از منابع و کنترل آلودگی را آسانتر کند آن است که با محدود کردن جمعیت و ازدحام و تراکم می‌توان به تحقق توسعه پایدار ام‌بست.

اولسون (Olson) سه سناریوی احتمالی را برای توسعه پایدار تشخیص داده است:

الف- استمرار رشد توأم با کنترل آلودگی (رشد اقتصادی هزینه‌های مربوط کنترل آلودگی و پیشرفت تکنولوژیکی را تأمین می‌کند)

ب- دگرگونی و تحول تکنولوژیکی (پیشرفت و بهبود تکنولوژیکی، بهره‌برداری از منابع و کنترل آلودگی را بسیار آسانتر می‌کند)

ج- دگرگونی و تحول اجتماعی (تغییر ماهیت و چرخش از رشد کمی به سمت توسعه کیفی)

احتمال دارد که در زمینه توسعه پایدار دو رهیافت متفاوت مورد توافق و پذیرش قرار گیرد:

۱- رهیافت توجه به وضع موجود که معیارهایی همچون مطالعات و پژوهشها؛ رسمی زیست‌محیطی در سطح ملی و منطقه‌ای را محاسبه و برآورد منابع و طرح‌ها؛ عملی زیست‌محیطی ملی را مورد حمایت و تشویق قرار می‌دهد.

۲- رهیافتی که بر تغییر بنیادین در رفتار و روش مردم تأکید دارد (آئین‌های جدید توسعه)

رهیافت اول، برای تقویت و مدیریت نیازمند یک پایگاه اطلاعاتی است، هر چند که آن هم کفایت نمی‌کند، رهیافت دوم، مهم است. لکن از طریق نظارت، حسابرسی و مدیریت می‌بایست حمایت گردد. بنابراین این دو رهیافت مکمل یکدیگرند، نظارت و مدنسازی بسیاری از عوامل مورد بحث، مشکل است. بنابراین لازم است، توسعه پایدار «دارای قوه تطابق بوده و حاشیه ایمنی وسیعی را تشکیل دهد. در این راستا افزایش آگاهی‌ها و انجام فعالیتهای مفید چاره‌ساز از طریق نظارت و ارزیابی، شاخصهای ناپایداری» و «ارزشهای آستانه‌ای» واقعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است

(Nioetal, 1998)^{۲۷}

بنابراین جهت نیل به توسعه پایدار باید:

۱- جامعه صنعتی برخوردی مسئولانه با جامعه انسانی داشته باشد.

۲- چون توسعه پایدار مسئول تأمین زندگی آینده انسان‌هاست و در سطح

7. Ales Astle, (what is Development), New Zealand journal of geography, April 1989, P. 13.

8. Lerner, D. (social Aspects of Modernization) in D.L. Sills (ed) inter national Encyclopedia of the social sciences (New York 1968), Vol. 10. P. 387.

۹- رجوع شود به منبع شماره ۷- صفحه ۱۴- ۱۳.

10. Mountjoy, A.B., (The third world), London, 1987, P. 93-101.

۱۱- رجوع شود به منبع شماره ۶- صفحه ۱۱۴.

۱۲- رادکلیفت، مایکل «توسعه پایدار»، حسین، نیر، مترجم، وزارت کشاورزی، مرکز معاونت طرح و برنامه مرکز مطالعات و برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران، سال ۱۳۷۳، صفحه ۳۵-۳۴.

۱۳- رامشت، محمدحسین، «جغرافیا و توسعه پایدار»، فصلنامه دانشگاه انقلاب، شماره ۱۱۱، بهار ۱۳۷۷، صفحه ۹۶ و... و ۹۲.

۱۴- سی جی بارو، «توسعه پایدار: مفهوم، ارزش، عمل»، علی بدری، مترجم، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴، انتشارات آستان قدس سال ۱۳۷۶، صفحه ۴۸.

۱۵- برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به منبع شماره ۱۵، صفحه ۵۲، برگردانی از مقاله: World commission on Environment and development. 1977. (our common future), Oxford university press, Oxford, London.

۱۵- افشار عباس، صفوی، حمیدرضا، «برنامه ریزی برای توسعه پایدار: اقتصاد پایدار» فصلنامه علمی، ترویجی آب و فاضلاب، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۸- صفحه ۴۹-۴۸.

۱۶- رجوع شود به منبع شماره ۱۴، صفحه ۴۷.

۱۷- رجوع شود به منبع شماره ۱۲، صفحه ۲۰۳.

۱۸- رحمانی، صفت الله، «آشنایی با توسعه پایدار» ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد، شماره ۱۷۳- ۱۷۲، سال ۱۳۷۴، ص ۵۲.

۱۹- بریانی اسپوتر، «ارزیابی پیامدهای زیست محیطی»، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست سال ۱۳۷۲، صفحه ۲۰.

۲۰- رجوع شود به منبع شماره ۱۴، صفحه ۶۴ و... و ۵۲.

۲۱- رجوع شود به منبع شماره ۱۸، صفحه ۵۲ برگرفته از کمیته محیط زیست و توسعه پایدار، گزارش اولین اجلاس بانکوک، سال ۱۹۹۳.

۲۲- همشهری، «توسعه و فرهنگ شهر سالم»، اسفندماه ۱۳۷۵، ص ۷.

۲۳- هنری، مرتضی، بخش اقتصادی، رونامه سلام سال هشتم، شماره ۲۱۷۸، پانزده آذرماه ۱۳۷۷، صفحه ۸.

۲۴- مهدوی، محمدتقی «پژوهش در علم و صنعت»، نشریه سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی در ایران سال نهم شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، ص ۳۷.

۲۵- نقی زاده، محمد، «فرهنگ اسلامی و توسعه پایدار» فصلنامه پژوهشی، تحلیلی، آموزشی، برنامه ریزی و مدیریت شهری سال اول بهار ۱۳۷۹، ص ۷۳.

۲۶- «تنها با انکاء به خود می توان به توسعه همه جانبه دست یافت» آینه اخبار ایران، ۱۹ آذر ۱۳۷۵، ص ۳.

۲۷- میرسلیم «توسعه الگوی متعارف، الگوی متعادل» پیام، توسعه، نشریه شهرداری، اصفهان شماره دوم سال ۱۳۷۱، صفحه ۴.

۲۸- رجوع شود به منبع شماره ۱۴ ص ۶۴.

• طقه ای و محلی مطرح می شود باید در ابعاد اقتصادی و زیست محیطی، هماهنگی

• جاد کنیم و باید تشخیص دهیم که انسان با چه عوامی هماهنگی ندارد و در جهت

• ماهنگی آنها سرمایه گذاری کنیم.

• ۳- باید برای تحقق توسعه پایدار در جامعه، ابعاد اقتصادی در بعد خودش منظم

• رد و ابعاد مردمی به طور غیرمتمرکز عمل کند.

• ۴- جهت نیل به توسعه پایدار باید توجه داشته باشیم که معضلات یک ارتباط

• بستماتیک با هم دارند و مثل یک گره همه را بهم می پیچند و اگر برای آینده فکری

• نیم، معضلات از هم باز نمی شوند.

• ۵- بالا بردن رفاه مردم، درآمد، کم کردن فقر و بیکاری با استفاده بهینه از منابع

• جود در یک منطقه می تواند در ابعاد اقتصادی، اجتماعی تعادل ایجاد کند و برقراری

• ادل اولین گام به سوی توسعه پایدار است.

• توسعه پایدار باید در یک سطح متناسب، متعادل و هماهنگ دنبال شود و نیل به

• سعه پایدار، مستلزم هماهنگی و یکپارچگی امور زیست محیطی و برنامه ریزی توسعه

• جهت بهکرد زیست اجتماعی، فرهنگی انسانی است به گونه ای که جدایی مستمر

• ن «انسان»، «محیط» و «توسعه» را از میان بردارد و توسعه و برنامه ریزی را به گونه ای

• ماهنگ نماید که مفاهیم توسعه برای پایداری انسان و محیط و در خدمت انسان قرار

• رد. و این نیازمند تغییر بنیادین در رفتار و روش مردم در فرهنگ به کارگیری شناخته ها

• محیط است. بنابراین لازم است که سطوح و واحدهای توسعه پایدار متعادل و

• ماهنگ شوند، همانگونه که در سال ۱۹۸۱ هندیسن تذکر داد که «جهانی فکر کنیم،

• حلی عمل کنیم»، تا بتوانیم به توسعه پایدار دست یازیم. در خاتمه توجه داشته

• شیم که در چارچوب و مفهوم کلی توسعه پایدار «انسان» در محیط زیست محور

• ست و این «انسان» است که باید در توسعه محور محور باشد. زیرا توسعه امری است

• ند بعدی، درون زا و زمینه های آن را تنها می بایست در بطن تاریخ، فرهنگ و ارزشهای

• ر جامعه پیدا کرد و الا هیچ گونه سرنوشت مشترکی میان کشورهای با این همه تفاوت

• می تواند باشد و هر ملتی در توسعه پایدار با هزاران رشته نامرئی چون خانواده، مذهب،

• بان، آداب و رسوم و سنن گوناگون، روانشناسی ویژه خود را می طلبد و آینده و پیشرفت

• یژه خود را می سازد.

ن نوشت:

• سعیدی، عباس، «توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی» فصلنامه تخصصی بنیاد مسکن

• نلاب اسلامی، سال ۱۳۷۶، ص ۱۷.

• نگاه کنید به منبع شماره ۱، صفحه ۲۲ برگرفته از:

• Red cliff. M. andc. sage (eds): strategies for sustaginable Developer

• chichester, 1994, PP. 17. 35.

• 3. Dudleyseers, (the meaning of development,) in development theoryed, B

• David lehman, Frank cass, 1977. PP. 2. 29.

• - برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع شود به ازکیا، مصطفی، «نظریه های توسعه نیافتگی»

• سلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۱۳، سال ۶۸، صفحه ۸۵ و... و ۶۰

• 4-1. David Lehman, (ed) development theory, four critical studie London

• 1979. PP. 9-32.

• 4-2. Norman long an Intr, duction to the sociology of rural development

• London. Tavistock publication, 1977. PP. 10.

• - «میسرا برداشتی نو از توسعه»، گزیده اقتصادی، اجتماعی، شماره ۴۶، انتشارات برنامه و

• روجه، سال ۱۳۶۴، صفحه ۶.

• - سجادی، زیلا، «نگرش جغرافیایی بر مفاهیم توسعه و نقش آن در ساختار مرکز پیرامونی

• نضاد جهانی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۴۲، تابستان ۱۳۷۵، صفحه ۱۱۵ و...

• ۹۶.